خبر

خدمات‌رسانی مرکز جامع سلامت «شهید جمهور»

علیرضا خسروپناه، رئیس دانشگاه علوم پزشکی دزفول با بیان این‌که مرکز خدمات جامع سلامت روستایی شهید جمهور واقع در منطقه محروم و صعب‌العبور احمد فداله دزفول فعالیت خود را آغاز کرده است، گفت: هشت پروژه بهداشتی و درمانی در این شهرستان تکمیل شده که در این میان سه پروژه هم‌اکنون فعال و در حال خدمات‌رسانی است. همچنین دو پایگاه اورژانس جاده‌ای مهرشهر و محمد بن جعفر نیز آماده بهره‌برداری شده‌اند. وی با اشاره به این‌که یکی از مراکز شاخص کشوری در مناطق روستایی و محروم هم‌اکنون در بخش شهیون دزفول در حال خدمت‌رسانی است، ادامه داد: مرکز خدمات جامع سلامت روستایی شهید جمهور حضرت آیت‌الله رئیسی ۳۲۰ مترمربع زیربنا و ۴۰۰۰ مترمربع مساحت دارد. این مرکز از محل اعتبار بنیاد برکت، توسط قرارگاه سازندگی و محرومیت‌زدایی سپاه پاسداران تکمیل و توسط دانشگاه علوم پزشکی دزفول تجهیز و راه‌اندازی شده است. خسروپناه با بیان این‌که این مرکز ۲۷۰۰ نفر جمعیت از ۸۳ روستای عشایری محروم و صعب‌العبور را تحت پوشش قرار می‌دهد، بیان کرد: چهار خانه بهداشت مناطق صعب‌العبور بخش شهیون دزفول زیرمجموعه مرکز خدمات جامع سلامت روستایی شهید جمهور حضرت آیت‌الله رئیسی است.

مدارس کانکسی میراث دولت‌ها برای هم

ارائه آمار غیرواقعی تعداد مدارس کانکسی فقط بودجه و اعتبارات را هدر می‌دهد و از تعداد آنها نمی‌کاهد

شهرزاد رحمتی‌پور
گروه ایران

با آغاز خردادماه و امتحانات، کم‌کم دانش‌آموزان خود را برای استراحت تابستانه آماده می‌کنند و این فرصت خوبی است تا حداقل مسئولانی که قول جمع‌آوری مدارس کانکسی و بازسازی و نوسازی مدارس فرسوده را داده‌اند به کارهای خود برسند. وقتی در سال ۱۳۹۹ یکی از مدارس کانکسی در یکی از مناطق صعب‌العبور استان خوزستان سوخت و باعث جان باختن یک دانش‌آموز و مجروحیت چند نفر دیگر شد، همه مسئولان قول دادند تمام مدارس خشتی، گلی، سنگی، کانکسی و کپری در کمتر از یک‌سال جمع‌آوری شوند اما حالا بعد از گذشت پنج سال از آن روزها هنوز آمار دقیق از تعداد مدارس کانکسی ارائه نمی‌شود، چه برسد به جمع‌آوری آنها.

* * *

«مدارس کپری و کانکسی در کشور برچیده می‌شوند». این جمله آن‌قدر تکراری شده که تقریبا هر وزیر آموزش و پرورشی دوره کاری خود را با آن شروع می‌کند اما حقیقت آن است که این‌گونه مدارس از دولتی به دولت دیگر منتقل می‌شوند و در نهایت دانش‌آموزان می‌مانند و مدارس کانکسی و فرسوده‌ای که بدون آنها دیگر جایی برای درس خواندن ندارند.

در سال ۱۴۰۱ وزیر آموزش و پرورش وقت اعلام کرده بود ۱۲ هزار مدرسه کانکسی، خشتی و سنگی در کشور وجود دارد. البته این آمار هیچ‌وقت دقیق نبوده و معلوم نیست چند دانش‌آموز در این مدارس در حال تحصیل هستند اما آن‌طور که یوسف نوری در آن زمان گفته بود حدود ۲۰ درصد مدارس در سطح کشور فرسوده هستند؛ رقمی که حتی با ساخت مدارس جدید و تحویل کلاس‌های درس تازه‌ساخت، باز هم پایین نمی‌آید.

آمارهای درهم برهم

آن‌طور که ستاد اجرایی فرمان امام(ره) گزارش داده است، این نهاد در سال ۱۴۰۳، ۷۷۰ مدرسه احداث کرده که ۶۵۰ واحد از آن جایگزین مدارس کانکسی شده است. بر همین اساس، در آخرین روزهای سال گذشته وزیر آموزش و پرورش و رئیس ستاد اجرایی فرمان امام(ره) تفاهم کردند با احداث حدود ۴۰۰ مدرسه دیگر تا قبل از مهر ۱۴۰۴، جشن پایان مدارس کانکسی در کشور برگزار شود.

در آن دیدار رئیس ستاد اجرایی فرمان امام(ره) گفت: وجود مدارس کانکسی یا مدارسی که در شأن دانش‌آموزان نیست برای وجهه کشور هم مناسب نیست. ما می‌توانیم یک بار برای همیشه این موضوع را به اتمام برسانیم و با مدارس کانکسی خداحافظی کنیم. همین الان هم حدود ۶۵۰ مدرسه کانکسی را با احداث مدارس ایمن جایگزین کرده‌ایم.

سیدپرویز فتاح تأکید کرد: توسعه کمی و بهبود مدارس، بخشی از فعالیت‌های ستاد اجرایی فرمان امام(ره) است و البته در حوزه نرم‌افزاری و توسعه کیفی آموزش نیز ورود کرده‌ایم.

در آن دیدار، وزیر آموزش و پرورش درحالی از جمع‌آوری ۴۰۰ مدرسه کانکسی و برگزاری یک جشن صحبت کرد که چندروز بعد یعنی در فروردین ۱۴۰۴ معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، تجهیز و توسعه مدارس با تأکید بر این‌که آموزش و پرورش به‌تنهایی نمی‌تواند مشکلات سرانه فضای آموزشی را رفع کند، گفت: ۱۰۰۰ مدرسه کانکسی در کشور وجود دارد که این مدارس تا پایان سال جمع‌آوری می‌شوند.

این بار مجید عبداللهی از خیران خواست به میدان بیایند و تأکید کرد: خیران نباید معطل کارهای اداری مدیران بمانند و مدیران هم باید بستر و مقدمات مشارکت خیران را برای احداث مدارس فراهم کنند. اهتمام دولت چهاردهم این است که از ظرفیت مردمی در امور مختلف به‌ویژه در نهضت مدرسه‌سازی استفاده کند و این توصیه مورد تأکید شخص رئیس‌جمهور است که عدالت آموزشی را از اولویت‌های خود می‌داند. مشکل کار اینجاست که مسئولان نه‌تنها به آمارهای دیگر همکاران‌شان توجه نمی‌کنند بلکه آمارهایی را که خودشان می‌دهند هم فراموش می‌کنند!

مجید عبداللهی فروردین ۱۴۰۳ در مورد دستاوردهای این معاونت در سال ۱۴۰۲ گفته بود: افتتاح دومرحله پروژه‌های عمرانی فضاهای آموزشی، پرورشی و ورزشی در سطح کشور را داشتیم که یکی در پایان مهرماه سالی که گذشت (۱۴۰۲) و دیگری در دهه فجر همان سال افتتاح شد و در مجموع ۲۹۷۰ فضا بالغ بر ۱۳ هزار و ۲۳۰ کلاس درس و حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزارمتر مربع زیربنا در سطح کشور به بهره‌برداری رسید.

معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور با بیان این‌که مدارس کانکسی حتما جمع‌آوری می‌شوند، تأکید کرد: ما ۱۰۷۳ مدرسه کانکسی در کشور داشتیم که تأمین منابع برای جمع‌آوری آنها انجام شده و حدود ۶۰۰ میلیارد تومان هزینه‌های مربوط به این موضوع تأمین و پرداخت شده، حدود ۵۷۰ کلاس درس آن تحویل داده شده و در اختیار فعالان تعلیم و تربیت قرار گرفته است.

وی اضافه کرد: بقیه موارد نیز در فرآیند طراحی و برنامه‌ریزی است و در سال ۱۴۰۳ پیش‌بینی می‌شود کل مدارس کانکسی جمع شود. در دو استان پرونده این مدارس بسته شده و در ۱۷ استان نیز اصلا آمار این مدارس زیاد نیست که تا اردیبهشت تکلیف آنها روشن می‌شود و تمرکز اصلی ما درخصوص مدارس کانکسی روی پنج استان است؛ سیستان و بلوچستان، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، فارس و آذربایجان شرقی از جمله استان‌هایی هستند که برنامه‌ریزی ویژه می‌خواهند.

آنچه در مورد مدارس خشتی، گلی و کانکسی برآورد می‌شود این است که بودجه می‌آید اما خروجی ندارد و کسی هم در مقابل آمار و ارقامی که ارائه می‌شود از مسئولان امر نه خروجی می‌خواهد و نه از آنها بازخواست می‌کند.

مشت نشانه خروار

در کنار عدم ارائه آمار درست باید گفت در برخی استان‌ها آمار مدارس کانکسی آن‌قدر پایین است که با ساخت چندمدرسه دوکلاسه هم می‌توان تمام آنها را جمع‌آوری کرد. مثلا در استان مرکزی سرپرست اداره کل آموزش و پرورش این استان با بیان این‌که هیچ مدرسه خشتی و گلی‌ای وجود ندارد و استان مرکزی دارای تنها ۱۰ مدرسه کانکسی با جمعیت کمتر از پنج دانش‌آموز است، گفت: فضای آموزشی در پروژه ۸۱۰۰ واحدی مسکن ملی یکی از چالش‌های اصلی ماست. برخی ارقام اعلام‌شده درباره کمبود ۲۴ مدرسه ممکن است اغراق‌آمیز باشد اما حتی اگر این رقم به ۱۰ یا ۱۲ مدرسه هم کاهش یابد، باز مسأله جدی است. چند روز پیش به مناسبت هفته معلم، مدیرکل آموزش و پرورش خراسان رضوی هم اعلام کرد با توجه به آغاز نهضت ملی عدالت آموزشی که دکتر پزشکیان آغاز کردند، نگاه ما معطوف به تأمین فضای آموزشی عادلانه خواهد بود. مصطفی اسدی به رصد فضاهای آموزشی پرداخت و ادامه داد: ۷۵ درصد مدارس غیراستاندارد استان شناسایی شده و مدارس خشتی، گلی و کانکسی تخریب و جمع‌آوری خواهند شد. مدیرکل آموزش و پرورش آذربایجان غربی هم اعلام کرده براساس توافق با ستاد اجرایی حضرت امام(ره) ۳۴۱ کلاس درس کانکسی در استان تا پایان شهریورماه جمع‌آوری می‌شود. علی‌اکبر صمیمی با اشاره وضعیت نامطلوب سرانه فضای آموزشی در سطح استان تصریح کرد: هم‌اکنون ۱۲ هزار کمبود کلاس درس در آذربایجان غربی داریم. برای رسیدن به استاندارد کشوری نیز به ۳۰ هزار کلاس درس دیگر در استان نیاز داریم. حال اگر یک بار دیگر به آمار وزیر آموزش و پرورش برگردیم که گفته فقط ۴۰۰ مدرسه کانکسی در کشور وجود دارد و از این تعداد ۳۴۱ مدرسه فقط در آذربایجان غربی باشد، یعنی در ۳۰ استان دیگر مجموعا ۵۹ مدرسه کانکسی وجود دارد؟!

جام جم آنلاین
جدیدترین اخبار ایران و جهان در جام جم آنلاین
ورزشی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حوادث
instagram.com/jamejam.news
https://rubika.ir/JamejamDaily
https://t.me/jamejamDaily
http://twitter.com/jamejamCPI
جام جم
jamejamdaily.ir
jamejamonline.ir

حل سودوکو ۴۸۸۱

۳	۶	۲	۷	۹	۴	۸	۱	۵				۲	۵	۶	۱	۴	۳	۸	۷	۹
۸	۴	۵	۲	۳	۱	۶	۹	۷				۳	۷	۹	۸	۲	۵	۶	۴	۱
۱	۷	۹	۶	۵	۸	۴	۲	۳				۸	۴	۱	۶	۹	۷	۲	۳	۵
۲	۵	۳	۴	۸	۶	۱	۷	۹				۶	۳	۵	۷	۸	۲	۱	۹	۴
۷	۹	۴	۵	۱	۳	۲	۸	۶				۱	۸	۷	۹	۳	۴	۵	۲	۶
۶	۸	۱	۹	۲	۷	۳	۵	۴				۹	۲	۴	۵	۶	۱	۷	۸	۳
۵	۳	۸	۱	۴	۹	۷	۶	۲	۴	۸	۹	۵	۱	۳	۴	۷	۸	۹	۶	۲
۴	۲	۶	۸	۷	۵	۹	۳	۱	۷	۲	۵	۴	۶	۸	۲	۵	۹	۳	۱	۷
۹	۱	۷	۳	۶	۲	۵	۴	۸	۳	۶	۱	۷	۹	۲	۳	۱	۶	۴	۵	۸
						۴	۱	۹	۵	۳	۶	۲	۸	۷						
						۶	۲	۳	۸	۱	۷	۹	۵	۴						
						۸	۵	۷	۲	۹	۴	۶	۳	۱						
۷	۵	۴	۲	۱	۸	۳	۹	۶	۱	۴	۲	۸	۷	۵	۳	۶	۴	۹	۱	۲
۸	۹	۲	۵	۶	۳	۱	۷	۴	۹	۵	۸	۳	۲	۶	۵	۱	۹	۴	۸	۷
۱	۶	۳	۷	۴	۹	۲	۸	۵	۶	۷	۳	۱	۴	۹	۷	۲	۸	۶	۵	۳
۴	۳	۵	۶	۸	۲	۷	۱	۹				۶	۱	۳	۹	۷	۲	۸	۴	۵
۹	۲	۱	۳	۵	۷	۶	۴	۸				۴	۵	۸	۶	۳	۱	۷	۲	۹
۶	۷	۸	۴	۹	۱	۵	۳	۲				۷	۹	۲	۴	۸	۵	۱	۳	۶
۵	۸	۶	۱	۷	۴	۹	۲	۳				۹	۶	۱	۲	۴	۳	۵	۷	۸
۳	۴	۷	۹	۲	۶	۸	۵	۱				۲	۸	۷	۱	۵	۶	۳	۹	۴
۲	۱	۹	۸	۳	۵	۴	۶	۷				۵	۳	۴	۸	۹	۷	۲	۶	۱

سودوکو ۴۸۸۲

برای حل جدول اعداد باید در هر مربع کوچک‌تر ۳ در ۳ هیچ عدد تکراری وجود نداشته باشد.
همچنین هیچ عددی در یک سطر یا ستون مربع بزرگ ۹ در ۹ تکرار نشده باشد.

						۲	۶											۴	۳	
۶	۵				۴		۷					۸	۳				۴		۹	
۲		۷		۳		۸						۲		۵		۹		۱		
	۸		۴		۳								۷		۸		۶			
		۶				۳								۴				۸		
			۹		۷		۴								۴		۷		۶	
		۱		۹		۴		۶						۹		۷		۶		۲
	۳		۸				۱	۲					۶		۵				۱	۹
	۶	۴									۶		۱	۲						
								۴		۳										
									۴		۱									
										۷		۶								
						۸	۹		۲									۶	۸	
۵	۶				۱		۲					۹	۵				۴		۱	
۲		۷		۳		۶						۲		۸		۶		۷		
	۴		۸		۲								۴		۷		۱			
		۶				۱								۵				۳		
			۶		۳		۷								۴		۵		۲	
		۲		۴		۳		۶						۲			۴	۱		۸
	۸		۳				۱	۲					۸		۵				۶	۲
	۱	۳											۶	۷						

روستاها، قلب تپنده امنیت غذایی و توسعه پایدار

سجاد مرسلی
گروه ایران

تا حدود یک قرن پیش روستاهای ایران سهم ۷۲ درصدی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده بودند، رقمی که حالا به کمتر از ۲۶ درصد کاهش یافته است. این روند نگران‌کننده نه‌تنها تعادل جمعیتی را برهم زده بلکه امنیت غذایی، تولیدات کشاورزی و الگوی توسعه پایدار را با تهدیدی جدی مواجه کرده است. براساس آخرین آمارها، بیش از ۳۱ هزار روستا یعنی نزدیک به ۵۰ درصد مناطق روستایی، متروکه شده‌اند و استان‌های شمالی مانند گیلان نیز با پدیده «پیرسَرا»یی یا همان روستاهای فاقد جمعیت جوان دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

آمارها وضع بسیار هشداردهنده‌ای پیدا کرده‌اند و از نرخ رشد منفی تا ناامنی غذایی خبر می‌دهند. نرخ رشد سالانه جمعیت روستایی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ به منفی ۰/۶۸ درصد رسیده است. پیش‌بینی می‌شود ایران تا ۲۰۵۰ در فهرست ۱۰ کشور نخست جهان با سریع‌ترین روند کاهش جمعیت روستایی قرار گیرد.

۹ دهک اول روستایی با ناامنی غذایی مواجه‌اند و متوسط فاصله درآمدی شهر و روستا در ۱۵ سال اخیر به بیش از ۹۰ درصد افزایش یافته است.

تبدیل روستاها به شهرها معضلی است که گریبان استان‌ها را چسبیده است. تعداد شهرها از ۶۱۲ شهر در سال ۱۳۷۵ به ۱۲۴۳ شهر در سال ۱۳۹۵ رسیده که به گفته مسئولان، این سیاست «آفتی برای کشور» محسوب می‌شود.

شاید از دلایل تبدیل روستاها به شهرها مهم‌ترین مورد، فقر زیرساختی و معیشتی باشد. کمبود امکانات آموزشی، بهداشتی و حمل‌ونقل در مناطق مرکزی، شرقی و غربی ایران موجب شده جوانان همیشه نیم‌نگاهی به شهرها داشته باشند.

وابستگی سنتی به کشاورزی و دامداری عامل دیگر عدم شکوفایی روستاهاست. درحالی‌که تغییرات اقلیمی و کاهش منابع آبی موجب بروز بحران در کشت محصولات شده، هزینه‌های تولید هم به شدت افزایش یافته‌اند. تبدیل روستاهای مرکز بخش‌ها به شهر بدون درنظرگرفتن ظرفیت‌های اقتصادی، منجربه جذب مهاجران به شهرهای کوچک و متوسط شده است. همچنین تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها و فرصت‌های شغلی در کلانشهرها و تصور غلط از رفاه شهری هم بسیاری از روستاییان را به سمت شهرها روانه کرده است.

در همین راستا نمی‌توان از تغییر سبک زندگی جوانان و کاهش تمایل به فعالیت در بخش‌های کشاورزی را نادیده گرفت.

از تهدید امنیت غذایی تا بحران حاشیه‌نشینی

با وجود سهم ۲۷/۵ درصدی روستاییان در تولید ناخالص ملی کشاورزی، خالی‌شدن روستاها امنیت غذایی را تضعیف می‌کند. حاشیه‌نشینی در شهرهایی مانند تهران، تبریز و مشهد به‌دلیل مهاجرت روستاییان افزایش یافته و رشد جمعیت در حریم کلانشهرها ۶ درصد است، درحالی‌که متوسط رشد کشوری ۱/۲۹ درصد گزارش شده است.

با این اوصاف کارشناسان معتقدند می‌توان با راهکارهای درست جلوی این روند را گرفته و به وضعیت کنونی سروسامان بخشید.

تدوین سیاست‌های حمایتی فوری اولین کاری است که دکتر غلامرضا مقدم، جامعه‌شناس روی آن تاکید دارد و می‌گوید: «سرمایه‌گذاری در زمینه زیرساخت‌های آبی، ایجاد مشاغل غیرکشاورزی و تقویت صنایع روستایی در کنار توسعه متوازن منطقه‌ای و جلوگیری از تبدیل بی‌رویه روستاها به شهر و بازتعریف سیاست‌های مهاجرتی بسیار مهم است.»

او ادامه می‌دهد: «حمایت از کشاورزی خُرد، وظیفه نهادها و سازمان‌ها و وزارتخانه است. ارائه تسهیلات کم‌بهره و بیمه‌های حمایتی برای کاهش ریسک فعالیت‌های کشاورزی نباید به بعد موکول شود.»

به‌گفته این جامعه‌شناس، ادامه این روند تا ۲۰۵۰ می‌تواند ایران را با بحران‌های عمیق‌تری از لحاظ تعادل جمعیتی، افزایش وابستگی به واردات غذایی و تشدید ناآرامی‌های اجتماعی روبه‌رو کند.